

ترجمه و شرح مقدمه قیصری

بر

فصوص الحکم

ابن عربی

مقدمه، نیکنام عربشاهی



تبریز-۱۳۹۵

- مرشنامه : نیکام عربشاهی، محمد، ۱۳۴۷ -
- عنوان قرائدی : فصوص الحکم. فارسی. شرح
- تلمه قیصری. فارسی. شرح
- عنوان و نام پدیدآور : ترجمه شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحکم ابن عربی / محمد نیکام عربشاهی.
- مشخصات نشر : تهران : دبیرستان، ۱۳۹۴.
- مشخصات ظاهری : ۳۰۸ س.
- شابک : 978-600-7262-30-6
- وضعیت فهرست نویسی : فیا
- یادداشت : فارسی - عربی.
- موضوع : قیصری، داود بن محمود، -۷۵۱ق. - مقدمه عربی - نقد و تفسیر
- موضوع : ابن عربی، محمد بن علی، ۵۶۰ - ۶۳۸ق. - مقدمه عربی - نقد و تفسیر
- موضوع : عرفان - متون قدیمی تا قرن ۱۴
- موضوع : تصوف - متون قدیمی تا قرن ۱۴
- شناسه افزوده : قیصری، داود بن محمود، -۷۵۱ق. - مقدمه قیصری. شرح
- شناسه افزوده : ابن عربی، محمد بن علی، ۵۶۰ - ۶۳۸ق. - فصوص الحکم. شرح
- رده بندی کنگره : ۱۳۹۴ ۶۰۴۲۲۹ ۶۰۴۲۲۹/۱۲ الف BP۲۸۳
- رده بندی دیویی : ۲۹۷/۸۳
- شماره کتابشناسی ملی : ۴۱۲۳۳۵۵



ترجمه و شرح مقدمه قیصری

بر

فصوص الحکم ابن عربی

تألیف:

مد نیکنام عربشاهی

تشریفات درویش

تبریز - چهارراه بهشت - انصاری - مجتمع تجاری اطلس

ط زین - پلاک ۲

همراه ۴۶۰ ۷۷۷۷ ۰۹۱

no_nam@hoo.com

www.hnn-pub.com

تایپ و صفحه‌آرایی :	فرشید
طرح جلد :	امیر نجفی
نوبت چاپ :	اول - ۱۳۹۵
اندازه و تعداد صفحه :	وزیری ۳۱۰ ص
تیراژ :	۱۰۰۰ نسخه
چاپ و صحافی :	اعظم - نوریل
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۶۲-۳۰-۶	ISBN: 978-600-7262-30-6

قیمت: ۳۰۰/۰۰۰ ریال

مرکز پخش:

تبریز - ابتدای طالقانی - روبروی مصلى امام - طبقه زیرزمین خشکسویی راپید - کتابفروشی دریا

تلفن: ۳۵۵۳۱۳۶۳ همراه: ۰۹۱۴۱۱۶۴۳۸۰

فهرست

صفحه	عنوان
۷	پیش گفتار
۸	عظمت ابن عربی و قیصری
۱۱	مختصری از زندگی نامه ابن عربی و قیصری
۱۳	مقدمه شارح علامه قیصری
۲۷	الفصل الأول فی الوجوه، و أَنَّهُ هُوَ الْحَقُّ
۶۴	اشاره الى بعض مراتب الكلية و اصطلاحات الطائفة فيها
۷۷	الفصل الثاني فی أسمائه، فأنه، تعالى
۱۱۳	الفصل الثالث فی الأیان الثابتة و التنبیه علی بعض مظاهر الأسماء
۱۴۱	الفصل الرابع فی الجواهر العرفیة، ما تعلّقها علی هذه الطریقة
۱۶۳	تذنیب فی الوجوب و الامکان، الاماع
۱۶۶	خاتمة فی التعین
۱۷۱	الفصل الخامس فی بیان العوالم الكلية و المراتب خمس الآلهیة
۱۸۷	الفصل السادس فیما یَتَعَلَّقُ بِالعالم العالی
۲۱۱	الفصل السابع فی مراتب الكشف و أنواعها إجمالاً
۲۱۴	انواع كشف و مراتب آن
۲۲۸	لطف سبعة انسانی و هفت شهر عشق
۲۳۳	فرق وحی و الهام
۲۳۳	فرق وحی و الهام از نظر عرفا
۲۳۷	الفصل الثامن فی أَنَّ العالمَ هُوَ صُورَةُ الْحَقِیْقَةِ الْإِنْسَانِیَّةِ بِحَسَبِ مَرَاتِبِهَا
۲۴۷	الفصل التاسع فی بیان خِلَافَةِ الْحَقِیْقَةِ الْمُحَمَّدِیَّةِ و الْأَقْطَابِ
۲۵۸	انواع نبوت و ولایت
۲۶۲	انواع قیامت در نظر اهل الله (عرفا)
۲۶۶	الفصل العاشر فی بیان الروح الأعظم و مراتبه و أسمائه فی العالم الإنسانی
۲۷۲	وجه تسمیه (علت نامگذاری) شئونات نفس
۲۷۸	الفصل الحادی عشر فی عود الروح و مظاهره العلویة و السفلیة إلیه تعالى
۲۸۲	انواع فنا و مراتب آن

٢٩٠	 الفصلُ الثَّانِي عَشَرَ فِي النُّبُوَّةِ وَالرَّسَالَةِ وَالْوِلَايَةِ
٢٩٤	 ضرورت و فلسفه نبوت از دیدگاه حکیم و عارف
٣٠٤	 مراتب یقین
٣٠٩	 تفاوت معجزه و کرامت

www.ketab.ir

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد خدائی راست که ما را در این سلک قرار دارد در سلک کسانی که در راه وصول به توحید صمدی گام نهاده و بر آن واصل شده اند.

ما گروهی در حدی نیستیم که در این وادی قدم بگذاریم اما به قول استاد علامه حسن زاده آملی (مجازاً) ما (حقیقتاً) پا در کفش بزرگان کرده ایم و خود را شبیه آنها نموده ایم، باشد که به فضل الهی از این تشابه بهره ای گیریم و خود را به آنان برسانیم و در زمره ایشان باشیم.

گروهی از اندیشمندان و خلایق و فاعلین و صاحبان دل از این بی دل خواستند تا فصوص ابن عربی برایشان تدریس شود اما خود را سسته این امر خطیر نمی دیدم ولی اصرار آن صاحبان و شیفتگان و تشنگان حقائق و معارف موجب شد خواست آنان را اجابت نموده و با توکل و اتکای تام به حضرت حق در حسینه ای به نام حضرت ابوالفضل (ع)^۱ که به فضل آن جناب نیز بس امیدوار بودم، در سال ۱۳۹۳ شروع کردم در بیان مباحثه بر آن شدم که یادداشت های خود را که حاصل همین بحثها بود به صورت کتابی در آوردم تا مورد استفاده همگان قرار گیرد و ما را از نظرات سازنده خود بهره مند کرده و از دعای خیر خود فرادش بکنند.

محمد نیکنام عربشاهی

تبریز

۱۳۹۴

۱. حسینه حضرت ابوالفضل (ع) عربشاهیان مقیم تبریز که حسینه با برکتی است و از سال ۱۳۹۰ زمینه تدریس کتابهای زیر نیز در آن فراهم شد:

- ۱) بدایة الحکمة علامه طباطبائی (ره)
- ۲) نهاية الحکمة علامه طباطبائی (ره)
- ۳) انسان در عرف عرفان علامه حسن زاده آملی
- ۴) عبون مسائل النفس علامه حسن زاده آملی
- ۵) اشارات و تنبیهات ابن سینا [نمط هشتم در بهجت و سعادت، نمط نهم در مقامات العارفین، نمط دهم در اسرار

عظمت ابن عربی و قیصری

ابن عربی بهترین ترجمان عرفان عملی است که بر آن زبانی نو ساخت و قالبی جدیدی پرداخت و طرحی نو در انداخت و آن بی زبان را به زبان آورد تا همگان از اندرون اهل کشف و شهود با خبر شوند و یافته های آنان را بدانند و بفهمند و در قرار گرفتن در مسیرشان ترغیب شوند که از وی هر کسی راه خود می پیمود بی خبر از هم و بی اطلاع از یافته های واصلان. او را به کسی می توان خاتم الاولیاء خواند؛ چون هیچ یک از عرفائی که بعد از او آمده اند، به پایه و مرتبه او نرسیده اند؛ بلکه همه آنان ریزه خوار سفره نعمت و خوشه چین خرمن حکمت او بوده اند.

آیت الله قاضی ربانی (ره) (م ۱۳۶۵) که نابغه حکمت و عرفان در میان متأخران و استاد بیشتر بزرگان عصر ما، همچون علامه اطباطی (ره) است، ابن عربی را در معرفت نفس و شهود باطنی و دستیابی به حقائق و معارف، فرد بی نظیر دانسته است. استاد علامه حسن زاده آملی در تعلیقات خود بر اسفار اربعه صدر المتألهین در این باره می گوید:

«وكان سيد الاجل آية الحق نادرة الدهر العالم المبد الفقيه المحدث
الشاعر المقلق العارف المكاشف سيد العلماء الربانيين الحاج ميرزا علي آقا
قاضى التبريزي (ره) المتوفى ۱۳۶۶ هـ. ق معتقداً في حق الشيخ الأكبر ابن
عربي ابانه ليس له عديل في أحاد الرعية، يعني لا تجد بعد المعصوم له عديلاً
كما لا يكون بعد الكتاب والسنة كتاب عدلاً لفتوحاته وفصوصه في بابيه.»

مؤلف کتاب دریای عرفان نیز این مطلب را چنین نقل می کند:
 آیت الله قاضی طباطبائی، از میان عرفا و واصلان کوی حقیقت، محی الدین بن عربی را بسیار می ستودند و او را در معرفت نفس و شهود باطنی فردی بی نظیر می دانستند. از آنجا که ایشان احاطه به مبانی این مرد بزرگ داشتند، معتقد بودند که شواهد و دلائل فراوانی در کتاب فتوحات مکیه ابن عربی وجود دارد که تشیع وی را ثابت می کند، زیرا سخنان وی در این کتاب با مبانی اهل سنت منافات دارد.^۱

آیت الله علامه حسن زاده آملی در «دومین یادنامه علامه طباطبائی» می نویسد:
 بنویسند از اساتید ما - رضوان الله تعالی علیهم - که در نجف از شاگردان نامدار اعجوبه دهر، آیت الله العظمی، عارف عظیم الشان، فقیه مجتهد عالی مقام، شاعر مفلح و صاحب مکاشفات و کرامات، جناب حاج میرزا علی آقا قاضی طباطبائی بودند، از وی حکایت می کردند که آن جناب می فرمودند:
 «بعد از مقام امامت، در میان رعیت، احدی در معارف عرفانی و حقائق نفسانی در حد محی الدین، رقیب نیست و کسی به او نمی رسد» و نیز می فرمود:

۱. عقاید مردم در باره وی مختلف است. بعضی او را به کفر و زندقه نسبت دهند، برخی او را از اهل سنت دانند و بعضی او را از جمله اهل تشیع و موحدین خوندند. همه این است، مانند: ملا محسن فیض، شیخ بهائی، مجلسی اول، قاضی نورالله تستری، ابن فهد حلی و میرزا محمد یسناپوری صاحب کتاب رجال، معروف به میرزا محمد اخباری. اما آنان که محی الدین را از جهت قول به وحدت وجود و این که وجود خالق همان وجود مخلوق است و این که عبادت اصنام عبادت حق است و هر که بت پرستد خدای را پرستیده است، و این که پیامبران همگی استفاده معرفت از خاتم الاولیاء می کنند، و این که عذاب کفار منقطع خواهد شد، به کفر و زندقه و ... نسبت داده اند راه خطا پیموده، و به ظواهر کلام شیخ متمسک شده، و در حقیقت بر آنچه خود از کلام وی فهمیده اند ایراد کرده اند. نه بر آنچه که او دانسته و گفته است. زاهد ظاهر پرست از حال ما آگاه نیست. در حق ما هر نویسنده ای هیچ اکراه نیست اما جواب از این که گفته «سبحان من اظهر الاشياء و هو عینها» مرادش این است که خداوند از جهت ظهور و تجلی که لازمه خالقیت است عین اشياء می باشد ولی از جهت ذات غیر آنها؛ چنانکه مرد میدان خداوند در باره وجود کثرت به صراحت تام در فتوحات مکیه [ج ۳/ص ۲۳۱] گوید:

لا تخط بین الامور و أنزل کل شیء حیث أنزلته حقیقه فلا تقل ما ثم إلا الله و لو كان كذلك و هو كذلك ألیست المراتب المعقولة قد میزت بین کونه کذا و کونه کذا و العین واحدة کما تقول و لکن هو من کذا و کذا من کذا امر آخر و أراک تحس بالآلم و تهرب منه فما الذی دعاک إلی ما منه تهرب و أراک تحس بالذلة و أراک فاقدا ما کنت تطلب فیهذا القدر أثبت عینک و اعرف اینک فعلی کل حال الکثرة موجودة و الأغیار مشهودة و عالم و جاهل و أمر و مأمور و حاکم و محکوم علیه و محکوم به و محکوم فیه و مرید و مراد و تخیر و جبر و فاضل و مفصول و اصل و موصول و قریب و أقرب و وعد و وعید فاللائدة فی مخاطب و مخاطب و خطاب و مخاطب به الإنسان واحد بجملة و أعضاؤه متمیزة و قواه متعددة و هو لا غیر فای شیء تألم منه سری الآلم فی کله و تری شخصا يتألم و آخر یسر بألمه و آخر یحزن لذلك فلو کان الأمر واحدا کما هو فی الإنسان لسری الآلم فی العالم بأسره إذا تألم منه واحد فلیس الأمر کما تخیلته إذا کشف النطاء علمت ما أقول.

همین معنا را صدر المتألهین و ملا محسن فیض نیز دریافته اند، و آن را با هیچ یک از امور عقلی و شرعی نیز منافاتی نیست. ایرادهائی که بر سایر اقوالش شده است، نیز بر همین قیاس است یعنی مراد او را نفهمیده بر آن اشکال کرده اند.

«ملاصدرا هرچه دارد، از محی الدین دارد و در کنار سفره او نشسته است.»
در عظمت علامه قیصری همین بس که از بین این همه شرحی که بر کتاب فصوص الحکم نوشته شده است، شرح وی مورد توجه ارباب نظر و اصحاب شهود قرار گرفته و به عنوان کتاب درسی در حوزه عرفان نظری رائج شده است، مخصوصاً مقدمه ای که در دوازده فصل بر آن نوشته است که الحق تبجر او را در عرصه این فن شریف می رساند و آن نه تنها مقدمه فصوص بلکه مقدمه عرفان است و به فرموده استاد علامه حسن زاده آملی، کتاب فصوص کله نور و مقدمه قیصری بر آن نور علی نور است.

www.ketab.ir